ضرورت تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال‌احمر

واقعیتی که تا به امروز مغفول مانده است

نورالله نصرتی | کارشناس مسئول موزه ملی جمعیت هلال‌احمر

عکس: ایسنا

سابقه فعالیت: دیرینه و پرافتخار

جمعیت هلال‌احمر کشورمان در مقام یک نهاد خوشنام و پرافتخار ملی و بین‌المللی، از سابقه‌ای دیرینه و تاریخچه‌ای طولانی، به درازای یک قرن برخوردار است. با نگاهی گذرا به این سابقه تاریخی، میزان کم‌کاری ما در تدوین تاریخ شفاهی و مستندسازی از فراز و فرودها و افتخارات و تجربیات این جمعیت بیشتر مشخص می‌شود.

سابقه تلاش‌های اولیه ایرانیان برای پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد تشکیلات بین‌المللی صلیب سرخ به دوران پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار باز می‌گردد. ایران در زمان حکومت او کنوانسیون مصوب ۱۸۶۴ ژنو را پذیرفت اما عملا برای ده‌ها سال پس از این تاریخ اقدامی جهت تاسیس موسسه یا سازمانی که عامل اجرایی این کنوانسیون در ایران باشد صورت نگرفت. مطابق کنوانسیون ژنو، ۱۲ کشور در نخستین کنفرانس در شهر ژنو موافقت کردند سربازانی را که در جبهه‌های جنگ زخمی می‌شوند جمع‌آوری کرده و به آنها کمک‌های پزشکی برسانند. در سال ۱۲۸۴ شمسی، ممتازالسلطنه وزیر مختار وقت ایران در پاریس، موافقت کنفرانس مذکور را برای پذیرش نشان شیر و خورشید سرخ به‌عنوان نشان رسمی دولت ایران برای جمعیت خود اخذ کرد. این نشان چندسال بعد از این زمان مورد تایید کنفرانس دیپلماتیک صلیب سرخ در ژنو نیز قرار گرفت. اگرچه، همچنان هیچ نهادی از سوی دولت ایران برای انجام وظایف مربوط به صلیب سرخ به وجود نیامد.

در سال ۱۳۰۱ با حمایت دولت و به کوشش دکتر امیر اعلم - که از جمله دانش‌آموختگان ایرانی در اروپا در رشته پزشکی و از بنیانگذاران چند بیمارستان به سبک اروپایی در ایران بود - اقداماتی برای تاسیس شیر و خورشید سرخ صورت گرفت. دکتر امیراعلم مقررات وضع شده از سوی صلیب سرخ جهانی برای جمعیت‌ها را ترجمه کرد و در اختیار احمدشاه قرار داد تا مقدمات تشکیل جمعیت فراهم شود. براساس این متن ترجمه شده، نظامنامه اساسی (اساسنامه) جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تهیه و در سال ۱۳۰۱ شمسی به امضای ولیعهد، محمدحسن میرزا رسید اما همچنان تا ۱۳۰۳ اقدامی در جهت سازماندهی این تشکیلات انجام نشد. در این سال‌ها، نخستین حرکت امدادی در زمانی که هنوز هیچ‌گونه امکاناتی در اختیار جمعیت نبود، کمک به زلزله‌زدگان تربت حیدریه بود که به همت شادروان دکتر امیراعلم صورت گرفت.

از سال ۱۳۰۴ به بعد نخستین اقدامات موثر و عملی برای «تشکیل» این جمعیت در ایران صورت گرفت. کلیه فعالیت‌های جمعیت نیز، از بدو پیدایش آن در ایران براساس کنوانسیون‌ها، پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون‌ها و قراردادهای بین‌المللی مختلفی بوده که در ادوار مختلف، برای تشکیلات بین‌المللی صلیب سرخ و نیز در زمینه همکاری‌های بین‌المللی تهیه شده است. طی سال‌های بعد تشکیلات جمعیت رو به گسترش نهاد و در مواردی به کمک سانحه‌دیدگان و نیازمندان شتافت. از جمله این موارد، کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان شیروان در سال ۱۳۰۸ شمسی بود. در همان سال کنفرانس دیپلماتیک ژنو درباره صلیب سرخ بین‌المللی، نشان شیر و خورشید سرخ را در کنار نشان‌های هلال‌احمر و صلیب سرخ به‌عنوان نشان امدادی و دارای مصونیت در میادین نبرد به رسمیت شناخت.

در اردیبهشت ۱۳۲۸ شمسی، دکتر حسین خطیبی نوری، به‌عنوان مدیر عامل جمعیت برگزیده شد. او تا هنگام پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر در ساختار جمعیت، این سمت را برعهده داشت. تا آن زمان نیز، جمعیت شیر و خورشید سرخ، نخستین و بزرگترین جمعیت خیریه ایران بود که عهده‌دار وظایف متعددی در مسائل مربوط به امدادرسانی در حوادث غیرمترقبه و امدادی، تأسیس بیمارستان و درمانگاه، تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، تربیت پرستار، نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، ارایه برنامه‌های ویژه برای جوانان و برخی فعالیت‌های عمرانی در داخل و خارج کشور بود.

از مقاطع مهم فعالیت امدادگران جمعیت شیر و خورشید سرخ، خدماتی بود که به بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های تابعه در دوران پرالتهاب انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به مردم و انقلابیون ارایه دادند. امدادگران این جمعیت در مراکز درمانی به صورت شبانه‌روزی زخمی‌ها و مصدومان انقلاب را مداوا یا پرستاری می‌کردند و آمبولانس‌های جمعیت پی در پی میان تظاهرکنندگان در حال گشت‌زنی بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات وسیعی در ساختار، ماهیت و وظایف جمعیت به وجود آمد، نخستین تغییر اساسی تفکیک مراکز بهداشتی-درمانی از جمعیت بود. برابر چند مصوبه هیأت دولت موقت، مراکز مختلف پژوهشی-حمایتی جمعیت از جمله جمعیت مبارزه با سرطان و سازمان انتقال خون به وزارت بهداری و بهزیستی واگذار شدند و برخی از امکانات ترابری هوایی و دریایی جمعیت، از جمله هواپیماهای آن به سایر نهادها واگذار شد. تشابه ظاهری نشان جمعیت با آرم شاهنشاهی و تصور عمومی مبنی بر وابستگی جمعیت به رژیم سابق در سال‌های آغازین انقلاب، باعث شد بسیاری از اموال و املاک آن (حتی برخی از املاک وقفی) توسط نهادهای انقلاب تصرف شود.

در دی‌ماه ۱۳۶۲ برابر ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی، عنوان جمعیت به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت. در پی این تصمیم، ایران از کلیه حقوق بین‌المللی خود برای بکارگیری انحصاری از نشان شیر و خورشید سرخ صرف‌نظر کرد و این نشان از آیین‌نامه و اساسنامه تشکل بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر حذف شد. با وجود کم‌لطفی‌های متعددی که در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به جمعیت صورت گرفت، جمعیت هلال‌احمر چه در جریان مقابله با حوادث طبیعی و چه در جریان هشت‌سال دفاع مقدس به ارایه خدمات متنوع و بسیار مهمی پرداخته است. تقدیم ۴۷۶ شهید و صدها زخمی و جانباز و اسیر امدادگر نشانه حضور جدی امدادی و درمانی در متن جنگ تحمیلی هشت ساله است. در آن دوره هشت ساله، جمعیت هلال‌احمر خدمات امدادی و درمانی تاریخی و قابل توجهی به رزمندگان جبهه‌ها و هموطنان جنگ‌زده، ارایه کرد. آموزش امدادگران برای کمک به مجروحان جنگی، اعزام امدادگران به جبهه‌ها، نجات مصدومان بمباران مناطق مسکونی در سراسر کشور، انتقال و بستری کردن مجروحان در بیمارستان‌ها، حمایت از اسرا و مفقودین ایرانی و خانواده آنها و جمع‌آوری، بسته‌بندی و ارسال کمک‌های مردمی به جبهه‌ها، عمده‌ترین این فعالیت‌ها و خدمات بودند.

همزمان با این خدمات و در بحبوحه شرایط جنگی حاکم بر کشور، جمعیت هلال‌احمر در انجام وظیفه خود نسبت به امدادرسانی به حوادث طبیعی در دیگر نقاط کشور کوتاهی نکرد. از جمله مهم‌ترین عملکردهای جمعیت در همان دوران یا نزدیک به همان دوران ۸ ساله، می‌توان به حضور موثر در امدادرسانی و رسیدگی‌های بعدی به زلزله‌زدگان قاین (آبان ۱۳۵۸)، زلزله‌زدگان کرمان (مرداد ۱۳۶۰)، زلزله‌زدگان منجیل و طارم (خرداد ۱۳۶۹) و نیز سیل سیستان در تابستان ۱۳۶۹ اشاره کرد. شواهد و مستندات عملکرد این جمعیت در حوادث مهیب و ویرانگری چون زلزله بم در سال ۱۳۸۲ و زلزله‌های دیگر پیش و پس از آن مثل زلزله‌های اردبیل و بجنورد و قائنات در سال ۱۳۷۶ و زلزله مناطقی از آذربایجان‌شرقی در سال ۱۳۹۱ هنوز در دسترس است و به تاریخ نپیوسته پس قابل ملاحظه و تامل است. حضور بشردوستانه و موثر این جمعیت در زمینه کمک‌های امدادی و پشتیبانی مادی و معنوی از آسیب‌دیدگان در حوادث بین‌المللی هم سرگذشتی خواندنی دارد که روزی باید در تاریخ شفاهی این جمعیت ثبت و ضبط شود؛ همان تاریخی که می‌خواهیم از آن سخن بگوییم.

> جمعیت هلال‌احمر چه در جریان مقابله با حوادث طبیعی و چه در جریان هشت‌سال دفاع مقدس به ارایه خدمات متنوع و بسیار مهمی پرداخته است. تقدیم ۴۷۶ شهید و صدها زخمی و جانباز و اسیر امدادگر نشانه حضور جدی امدادی و درمانی در متن جنگ تحمیلی است. در آن دوره هشت ساله، جمعیت خدمات امدادی و درمانی تاریخی و قابل توجهی به رزمندگان جبهه‌ها و هموطنان جنگ‌زده، ارایه کرد

تاریخ شفاهی: فقیر و بی‌برگ و بار

با مروری اجمالی بر کارنامه درخشان این جمعیت پرافتخار خیریه، امدادی و فرهنگ‌ساز (در عرصه جوانان) و با نگاهی به سابقه حدود یک سده خدمت ماندگار و موثر، شرمسار بضاعت ناچیز مستندات حاصل از این خدمات و تجربیات می‌شویم. به عبارت ساده، جمعیت و تشکیلاتی با این پیشینه و این ماموریت‌های خطیر و متنوع را از برخورداری از یک تاریخ شفاهی قابل استناد و در خور اعتنا بی‌بهره می‌یابیم.

دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا با تعریف مختصر و مفید خود، تاریخ شفاهی (oral History) را یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ می‌داند که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی براساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد. حال با نگاهی به سوانح و بحران‌های ملی و بین‌المللی که جمعیت هلال‌احمر در پاسخگویی به آنها و انجام مسئولیت اجتماعی و بشردوستانه خود، نقشی موثر و گاه تاریخی (همچون پاسخگویی به حادثه بم) ایفا کرده، جای خالی شرح و ثبت خاطرات و مخاطرات دیدگاه‌ها و تجربیات ناظران و فعالان آن عرصه‌ها به روشنی احساس می‌شود. از امدادگران و مدیران ستادی یا عملیاتی که در روزهای پر تلاطم ناشی از وقوع سوانح و رویدادهایی چون زلزله سال ۵۷ طبس و وقایع انقلاب و ۸ سال جنگ تحمیلی و جنگ شهرها و زلزله سال ۶۹ رودبار و منجیل و زلزله‌های بم، اردبیل، بجنورد، قائنات، ورزقان و اهر و آتش‌سوزی جنگل‌های گلستان و سیل‌های خوزستان و صدها اتفاق دیگر در سال‌های بعد حضور و نقش فعال داشتند، خاطره‌های تاثیرگذار و آموزنده در سینه‌ها مانده و تجربیات فراوان ناشی از آزمون و خطاها در ذهن‌ها حک شده که مرور زمان ممکن است آنها را برای همیشه محو کند یا با در گذشتن افراد، آیندگان از این تجربه‌ها و اندوخته‌هایی بهره‌مند نمانند.

به راستی از شنیده‌ها و دیده‌های پزشکان و امدادگرانی که از سالیان دورتر در جمعیت شیر و خورشید سرخ (قبل از انقلاب) در موسم حج خدمت کرده‌اند یا به سیل‌زدگان سیل ویرانگر سال ۴۷ خوزستان کمک رساندند و پرستارانی که در حضانت‌گاه‌های همان جمعیت از کودکان بی‌سرپرست نگهداری کردند و بعدتر، پزشکانی که سالیان سال در درمانگاه‌های جمعیت هلال‌احمر در کشورهای آفریقایی یا در سیل پاکستان و بحران سومالی و زلزله‌های ترکیه و هاییتی و جنگ‌زدگی مردم بی‌دفاع غزه از مسیر زمین و هوا و دریا به کمک شتافتند، یا کوهنوردان کوهستان‌ها و در راه ماندگان و مصدومان جاده‌ها را از خطر مرگ و بلایای دیگر نجات دادند یا به‌عنوان پزشک و امدادگر داوطلب با کاروان‌های سلامت برای ویزیت و درمان رایگان مردم نیازمند کمک، راهی روستاهای محروم و دورافتاده شدند یا در قالب طرح‌هایی چون فرشتگان رحمت و همای رحمت در شب‌های ماه رمضان یا آخر سال، سبد غذایی و عیدانه به در خانه نیازمندان بردند و مهم‌تر از همه، از شکست‌ها و موفقیت‌هایی که در پنجه درافکندن با حوادث و بحران‌های بزرگ نصیب مدیران و امدادگران ارشد و میانی این تشکیلات شد، نکته‌ها، آموزه‌ها، درس‌ها و عبرت‌های بسیار می‌توان یافت و در حافظه تاریخ شفاهی این جمعیت ثبت و ضبط شان کرد.

البته در عرصه تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال‌احمر گام‌های کوتاهی برداشته شده که در شوره‌زار کم‌کاری در این عرصه بسیار مغتنم و شایسته ارزش‌گذاری اند. کتاب «رنج رایگان» یکی از این معدود آثار - منتشر شده در سال ۱۳۸۳ - است. این کتاب که به کوشش مرتضی رسولی‌پور، پژوهشگر نام‌آشنا در عرصه تاریخ معاصر (و تاریخ شفاهی) تدوین و منتشر شده حاوی خاطرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زنده‌یاد دکتر حسین خطیبی است، ایشان در سال ۱۳۲۸ مدیرعامل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران شد و تا سال ۱۳۵۷ در این سمت ماند و طی این مدت توانست این جمعیت را به سرعت توسعه داده و ده‌ها بیمارستان، درمانگاه، پرورشگاه، و موسسات خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس کند. البته رنج رایگان منحصرا مربوط به تاریخ شفاهی جمعیت نیست و حاوی خاطرات فرهنگی- سیاسی -اجتماعی دکتر خطیبی است اما بخش‌های قابل توجهی از خاطرات مندرج در آن به فرازهای مهمی از تاریخچه تشکیل و توسعه این جمعیت و فعالیت‌های آن برهه زمانی ۳۰ ساله اختصاص دارد. جز این کتاب و کتاب دیگری تحت عنوان «مدیریت بحران از نگاه بیژن دفتری» که در سال ۱۳۹۲ درباره زنده‌یاد بیژن دفتری - از نامداران عرصه مدیریت عملیات امدادی در جمعیت هلال‌احمر - منتشر شده، اثر دیگری در بخش مرتبط با خاطرات و نظرات پیشکسوتان و تاریخ‌سازان جمعیت هلال‌احمر کشورمان لااقل به چشم نگارنده این سطور نخورده است. امید که مشکل اصلی بی‌اطلاعی نگارنده نباشد!

البته «مستندسازی» و تاریخ‌نگاری از فعالیت یک نهاد و تشکیلات صاحب تاریخ و سابقه را به ثبت خاطرات نباید منحصر کرد. اساسا لزوم «مستندسازی» عملیات‌های امدادی، فعالیت‌های بین‌المللی بشردوستانه، جلب مشارکت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی این جمعیت (در عرصه جوانان) هم ضرورتی است جدی که متاسفانه در حد شایسته و بایسته به جا نیاورده شده، اما اگر پروژه تدوین تاریخ شفاهی را بخشی از همین پروژه بزرگتر مستندسازی در نظر بگیریم، فعلا محل نزاع بحث ما همین حوزه است.

جذابیت‌های تاریخ شفاهی برای عموم و حضور دیدگاه‌ها و عواطف و تجربه‌های انسانی در متن این تاریخ، دایره مخاطبان آن را بیشتر می‌کند و میزان آگاهی و تأثیرپذیری عمومی و اجتماعی از فراز و فرودهای تشکیلات خوش سابقه و انساندوستانه‌ای چون جمعیت هلال‌احمر را افزایش می‌دهد. منظور از تأثیرپذیری افکار عمومی، ترغیب آحاد مردم و جامعه مخاطبان این تاریخ، برای مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های آن خواهد بود. چرا که در روند تدوین تاریخ شفاهی، تبدیل شدن خاطره‌ها و تجربه‌ها و برهه‌هایی از تاریخچه جمعیت به «روایت» به جلب مخاطبان و برقراری ارتباط صمیمی‌تر و راحت‌تر آنان می‌انجامد. ارتباطی که حاصل آن آشکار شدن زوایای پنهان تاریخچه موجودیت و فعالیت‌های جمعیت و بازسازی دوباره آن همراه با پیدا شدن حلقه‌های مفقوده و احیانا اصلاح برخی روایت‌های غیرمستند و نادرست است.

یقینا نقطه آغاز تدوین چنین تاریخی، حذف خط و خطوط سیاسی و جناحی و حب و بغض‌های شخصی و غیرشخصی و رعایت انصاف و عدالت و مروت در دعوت از ایفاگران نقش‌های ارزشمند و تاریخی این جمعیت یا رویکرد به ثبت نظرات آنان است. هر اعمال نظر سیاسی و سلیقه‌ای آن هم در تدوین تاریخ شفاهی تشکیلاتی که در اساسنامه آن، هر نوع نگاه سیاسی، نژادی، قبیله‌ای، باندی و حتی مذهبی و عقیدتی به فعالیت‌های آن، غرض‌ورزانه و مخل ایفای وظایف اساسی این نهضت خواهد بود، قطعا پذیرفتنی نبوده و راه به جایی هم نخواهد برد و مطرود و غیرقابل اعتنا خواهد ماند.

قاعدتا یکی از شاخص‌های رویکرد به فلان مقطع تاریخی و فلان شخصیت (اعم از مدیر و امدادگر و ایده‌پرداز و مجری) بررسی حوادث و سوانح رخ‌داده در طول تاریخ فعالیت جمعیت هلال‌احمر و نحوه ایفای مسئولیت این جمعیت در پاسخگویی به حوادث، همچنین طرح‌ها و اقدامات و پروژه‌های موثری که در جهت توسعه کمی و کیفی فعالیت‌های جمعیت صورت گرفته، خواهد بود. با حرکت در چنین مسیری در تدوین تاریخ شفاهی، خود به خود بخشی از «مستند سازی» در زمینه فعالیت‌های دیرینه این جمعیت صورت خواهد پذیرفت.

همواره عده‌ای از کسانی که به عناوین مختلف اعم از کارمند یا مدیر میانی یا داوطلب و عضو جوان و پزشک و پرستار و ارتوپد و فیزیوتراپ و خبرنگار و... در مجموعه جمعیت هلال‌احمر روزگاری گذرانده‌اند، در مقطعی از دوران خدمت خود خصوصا هنگام بروز سوانح بزرگ، صحنه‌ها و لحظه‌ها و موقعیت‌هایی تجربه کرده‌اند یا از قول همکار خود خاطره‌ای شنیده‌اند که به روشن ساختن زوایایی پنهان از خدمات جمعیت هلال‌احمر کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، ثبت تجربه‌های امدادگر یا مدیر امدادی حاضر در بم در روز زلزله، یا خاطره امدادگر جوانی که قبل از هر امدادگری در صحنه سقوط اتوبوس به دره و دیدن مسافران کشته یا زخمی و هراسان حضور پیدا کرده و با رجوع به آموزش‌های تخصصی و رفتاری که گذرانده نقشی حیاتی ایفا کرده، رگه‌های جذاب و آموزنده این خاطرات و این تاریخ شفاهی خواهد بود.

بنابراین در تدوین تاریخ شفاهی جمعیت هلال‌احمر، البته مشارکت عناصر مدیریتی و امدادی میانی و امدادگران گمنام یا کمتر شناخته‌شده‌ای که جمعیت هلال‌احمر اما مدیون تلاش‌های صادقانه، خالصانه، بی‌منت و بی‌هیاهوی آنهاست نقشی کلیدی و پر برکت خواهد داشت. اگر هم نتوان عنوان تاریخ شفاهی بر گفته‌ها و خاطرات تمام آنان نهاد، قطعا می‌توان در مجموعه‌هایی تحت عنوان «خاطرات امدادی» و «خاطرات داوطلبی» و امثالهم، در حاشیه تدوین تاریخ شفاهی همواره چشمی به آنها داشت. حاشیه‌هایی که گاه ممکن است به متن اصلی راه یابند و مسیر آن را هم تغییر دهند.

این نقطه از بحث بهترین مجال است که به کارکرد فرهنگی و هنری این تاریخ شفاهی مدون و ثبت چنین خاطراتی به‌عنوان منبعی برای الهام‌بخشی به اهالی ادبیات و هنر خصوصا داستان کوتاه و رمان و عرصه سینما و تلویزیون اشاره کنم. هلال‌احمری‌هایی که در کوران حوادث بزرگ حضور فعال و موثر داشته‌اند - اعم از مسئول، مدیر، پزشک، بهیار، امدادگر و نجاتگر - تجربه‌ها و خاطره‌های شنیدنی، از این حضور خود دارند که ثبت و ضبط آنها ایده‌ها و تصویرها و قصه‌های فراوان در اختیار قصه‌نویسان و فیلمنامه‌نویسان و سینماگران و نقاشان قرار خواهد داد.

ضرورت تأسیس «دفتر تدوین تاریخ شفاهی» و «مرکز مستندسازی» در جمعیت هلال‌احمر

با عطف توجه به آنچه گفته شد، ضرورت ایجاد یا تأسیس یک واحد یا یک «دفتر تدوین تاریخ شفاهی» و همچنین یک «مرکز مستندسازی» از خدمات و تجربه‌های یک قرنی جمعیت هلال‌احمر در این سازمان با سابقه و موثر و پر کار و پر افتخار احساس می‌شود. بی‌تردید اگر روزی چنین دفتر و مرکزی تأسیس شود و گروهی سلیم‌النفس، منصف و بی‌غرض، فرهیخته و متخصص امر، کمر همت به تدوین چنین تاریخی بندند، همچنین به مستندسازی مکتوب و تصویری (سمعی و بصری) از کم و کیف و ضعف و قوت‌های عملکرد این جمعیت همت گمارند، هم امروزیان و هم آیندگان با رجوع به این تاریخ و این مستندات راه پیش روی خود را روشن‌تر می‌بینند و گام‌هایشان را محکم‌تر برمی‌دارند. به‌عنوان مثال شاید مستندسازی و تدوین چنین تاریخی فقط از تراژدی زلزله بم و حماسه امدادرسانی جمعیت در پاسخگویی به این حادثه، به تنهایی کاری مهم و درازمدت برای چنین دفتری باشد. کاری که حاصل آن هم مهم خواهد بود، چراکه مدیران و امدادگران امروز و آینده، در آینه چنین مستنداتی خود و جمعیت خود را چنان می‌بینند که هم از نقاط قوت و حماسی آن احساس غرور کنند، هم نقص‌ها را تشخیص داده و اصلاح کنند تا در موقعیت مشابه دیگر بار به دام آن نیفتند.

درباره سازوکار تشکیل چنین دفتری یا کم و کیف افرادی که می‌توانند آن را به واحد و نهادی مهم و برخوردار از خروجی کار موثر تبدیل کنند باید پیشکسوتان و بزرگان و مورخان و مستندسازان و ویراستاران نظر دهند. عجالتا آنچه مهم است و ضروری به نظر می‌رسد، اصل توجه به چنین دغدغه‌ای و ایجاد چنین دفتری از سوی مقامات ارشد و مسئولان امر در جمعیت هلال‌احمر است. بی‌تردید غفلت از بجا آوردن چنین ضرورتی چند آفت به دنبال خواهد داشت. مهم‌ترین این آفات، تحریف یا مخدوش شدن تاریخچه فعالیت‌های جمعیت و روایت‌های مغرضانه و سودجویانه احتمالی در برهه‌های مختلف تاریخی، همچنین محروم شدن مدیران و امدادگران و جوانان و داوطلبان عاشق خدمت در این جمعیت از تجربه‌های پیشینیان خواهد بود. غبارزدایی از گذشته جمعیت و نشان دادن نقاط درخشان آن، چراغ راه خدمتگزاران بی‌منت و سختکوش عضو خانواده بزرگ جمعیت هلال‌احمر برای امروز و آینده خواهد بود.

نگاه ۱

به بهانه روز جهانی صلیب‌سرخ و هلال احمر

آمادگی ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

یحیی بازیاری‌زاده
معاون بهداشت، درمان و توانبخشی جمعیت هلال‌احمر استان هرمزگان

روز جهانی صلیب‌سرخ و هفته هلال‌احمر همه ساله در کشورمان فرصتی برای تشریح روند شکل‌گیری، ارکان و ماموریت‌های نهضت جهانی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر در جهان و معرفی ظرفیت‌ها و خدمات جمعیت هلال‌احمر کشورمان به‌عنوان یک موسسه خیریه عام‌المنفعه عمومی توسط متولیان امر به‌دست می‌دهد. در این یادداشت اما برخلاف رویه‌های متعارف که به معرفی و تشریح خدمات و ماموریت‌ها پرداخته می‌شود بر آنیم تا پس از گذشت قریب به یک سده از تشکیل و عمر این تشکل ملی با امتدادی بین‌المللی که ۳۷ سال آن پس از پیروزی انقلاب است به واکاوی یکی از موانع فرارو برای نیل به نقش‌آفرینی آرمانی این موسسه بشردوستانه در پاسخ به سوانح به‌عنوان یکی از ماموریت‌های مهم ملی به‌رغم توفیقات کم‌شمار آن در شرایط اضطراری بپردازیم. سانحه‌خیزی و قرار داشتن کشورمان در میان ۱۰ کشور نخست سانحه‌خیز جهان، ضرورت ایجاد، حفظ و ارتقای آمادگی و توان پاسخگویی مناسب و متناسب با سطح سوانح محتمل‌الوقوع را بیش از پیش محرز می‌کند. جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران جهت تعقیب و تحقق ماموریت‌های تعریف شده برای خویش واجد ساختاری است که صرفنظر از تناسب آن با ماموریت‌ها و روند تطور این ساختار در گذشته و آینده، زمینه توزیع مجموعه‌ای از امکانات و اعتبارات را مبتنی بر این ساختار در قالب نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در سطح کشور فراهم کرده است. فقدان یک برنامه راهبردی مدون به‌عنوان یک نقشه راه در طول سال‌های فعالیت این موسسه عام‌المنفعه عمومی در کشور، راه را بر اعمال سلیقه‌های مدیریتی و مدیریت‌های سلیقه‌ای هر چندسازنده هموار کرده، یکی از نارسایی‌های موجود، فقدان ساز و کاری در کالبد ساختاری جمعیت هلال‌احمر برای به دست دادن تصویری جامع و یکپارچه از جمیع توانمندی‌ها و کمبودهای جمعیت هلال‌احمر در سراسر کشور به مدیران ارشد و ستادی این نهاد است. متاثر از این نقیصه و در سایه فقدان این تصویر یکپارچه، روند توزیع متعادل و عادلانه منابع در سطوح استانی و شهرستانی جمعیت هلال‌احمر در سراسر کشور در ادوار گذشته ناخواسته دستخوش آسیب‌هایی شده که برآیند آن را با خصیصه عدم توازن می‌توان به ترسیم نشست. برای ملموس‌تر شدن موضوع، بحث را در قالب مصادیقی ادامه می‌دهیم. عدم رشد متوازن و عادلانه همزمان کلیه تشکیلات جمعیت هلال‌احمر در سراسر کشور موجب پیدایش برخی تفاوت‌های کارکردی در نقش‌آفرینی‌های حیاتی در بزنگاه‌های مهم در سطح کشور شده است. وجود برخی تفاوت‌های بعضا فاحش در زیرساخت‌های فیزیکی و منابع انسانی، یک نوع عدم تعادل پیکره‌ای را در ساختار این تشکیلات مردم‌نهاد در پی داشته که تاثیرات ناسازنده آن در نقش‌آفرینی در شرایط دشوار نمود بیشتری می‌یابد. تفاوت‌های موجود در زیرساخت‌های فیزیکی و منابع انسانی، تراکم منابع انسانی رسمی شاغل در برخی استان‌ها و وجود برخی شعبات و معاونت‌ها با یک نفر نیروی انسانی در برخی استان‌های دیگر نظیر برخی معاونت‌ها و شهرستان‌های استان هرمزگان و تفاوت‌های کیفی در ابنیه و مراکز وابسته به جمعیت هلال‌احمر در استان‌ها و شهرستان‌ها همه و همه ناشی از نبود یک برنامه جامع در گذشته و فقدان سازوکار یاد شده برای به‌دست دادن یک تصویر یکپارچه کلان از ساختار و امکانات و منابع جمعیت هلال‌احمر در سراسر کشور تا به اکنون است.

برای برون‌رفت از این وضع و گذار به یک تعادل در میان‌مدت، ضروری به نظر می‌رسد سازوکار یاد شده برای دستیابی مدیران ارشد جمعیت هلال‌احمر به یک تصویر یکپارچه از تشکیلات استانی و شهرستانی جمعیت هلال‌احمر پیش‌بینی و تخصیص منابع، مبتنی بر تصویر به دست آمده برای نیل به توازن منطقه‌ای حداکثری با مکانیسمی عادلانه‌تر به انجام برسد. بر این اساس توسعه تشکیلات استانی و شهرستانی جمعیت هلال‌احمر می‌تواند در قالب یک برنامه چند ساله برای خروج از عدم توازن‌های بعضا فاحش فعلی در بخش‌های مختلف و گذار به یک توازن نسبی منطقه‌ای تعریف شود. در غیر این صورت و تداوم تخصیص منابع پیگیری توسعه براساس سیاق پیشین و سهم بیشتر استان‌های برخوردارتر می‌تواند ضمن تشدید شکاف توانمندی‌های عملیاتی، آمادگی منطقه‌ای جمعیت هلال‌احمر در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف کشور متاثر از تفاوت‌های پایه‌ای، متغیر شده و موجب تاثر و افول کیفیت عملیات‌های امدادرسانی و آثار مترتب بر آن در سطوح منطقه‌ای و ملی شود.

در این راستا با توجه به تکمیل هسته مرکزی تیم مدیریت عالی جدید جمعیت هلال‌احمر با انتخاب دبیرکل، مناسب خواهد بود با پی‌ریزی ساز و کاری علمی و عملیاتی برای دستیابی به یک تصویر یکپارچه، واضح، دقیق و واقعی از وضع توسعه زیرساخت‌های جمعیت هلال در بخش‌های مختلف در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها و نیز شناسایی کمبودها، نارسایی‌ها و نقایص موجود از این طریق، با یک برنامه‌ریزی عملگرایانه معطوف به ارتقای توازن منطقه‌ای، با ارتقای توانمندی‌های پایدار ملی جمعیت هلال‌احمر در سطح مناطق مختلف کشور، زمینه برون‌رفت از برخی نارسایی‌های موجود و گذار به یک توسعه متوازن و ماناتر را آغاز کرد.

نگاه ۲

شرحی بر شعار امسال گرامیداشت هفته هلال احمر

انسان مهربان، دنیای آرام

مهربانی و آرامش به‌عنوان کلید واژه‌های اصلی شعار سال جدید جمعیت هلال احمر، واژگان مانوسی هستند که نزد همگان محترم و محبوبند. مهربانی از جمله خصایصی است که مقبول و مطلوب همگان و معنای محوری واجد ارزش آن، بخشش داوطلبانه، صادقانه و بی‌چشمداشت است. آرامش نیز وضع و کیفیتی است که همگان را آرزوست و بسیاری از کوشش‌های روزانه افراد به اذعان خودشان معطوف به تحقق این وضع درونی و برونی است. مهربانی از خصایص شاخصی است که در پژوهش‌ها نیز از سوی عموم به‌عنوان نماد انسان‌های خوب قلمداد می‌شود. خصیصه‌ای سپهرین که اوج آن در آفریدگار بی‌همتا متجلی است. وجوه ممیزه مهربانی را می‌توان داوطلبانه، بی‌چشمداشت، آگاهانه، ارادی و صادقانه بودن آن دانست. مهربانی از خصالی است که می‌توان آن را محصول و برآیند سایر ویژگی‌های مثبت انسانی دانست. مثلا دروغگویی یا خشونت پیشگی یک انسان مهربان قابل تصور و تحقق نمی‌نماید. بنابراین یک انسان مهربان اصولا واجد سایر خصایص پیش‌ساز مهربانی می‌باشد که در تعامل متقابل با یکدیگر مهربانی را در پی خواهند داشت.

دنیا در نگاهی پدیدارشناسانه عبارت از درک ذهنی دنیا و انعکاس ادراکی دنیای بیرونی در ذهن فرد است که در افراد مختلف با توجه به عبور از منشور ارزش‌های شخصی جهان‌بینی و نگرش وی به دنیا، متفاوت می‌تواند بود. بنابراین از این منظر می‌توان آرامش را یکی از پیامدهای مهربانی افراد دانست. به عبارت دیگر، انسان مهربان با خویشتن و دیگران در صلح می‌زید و این روی دنیای درون وی دنیای آرامی خواهد بود که این آرامش در روابط و تعاملات میان فردی و اجتماعی از وی ساطع و جهان پیرامون وی از آن متاثر و آرام‌تر خواهد شد. از منظری دیگر، انسان مهربان، پیام‌آور صلح و آرامش است. اوست که از خشم و خشونت و نفرت و ناآرامی به دور و التهابات متلاطم برآمده از شتاب و رقابت‌های خودخواهانه و کشمکش‌های ویرانگر موجود در جهان بیرون تا به او می‌رسند فرو می‌کاهند و کنش‌ورزی انسان مهربان در دنیای بیرونی نیز موجد و پشتوانه آرامش برای وی و پیرامونیان و همزیستان تواند بود. از این منظر، مهربانان با پیشه مهرورزی از جهان کینه‌زدایی کنند و در سایه کاهش کینه‌ها مهرها افزون تواند شد و آرامش بیشتری بر نهاد ناآرام گیتی مستولی می‌تواند شود.

جمعیت هلال‌احمر نیز به‌عنوان نهضتی جهانشمول که جوهره آن خیرخواهی است بر پایه توسعه مهربانی انسان‌ها برای همنوعان‌شان بنیاد گردیده که از طریق کوشش برای کاهش آلام همگنان و تسلی دردهای دردمندان بی‌پناه، نویدبخش بازگشت آرامش کسانی است که آرامش‌شان در پی تهدیدهای برآمده از سوانح طبیعی و یا دست ساخت بشر و همچنین جنگ‌ها از دست شده است. اوج مهرآفرینی در جمعیت هلال‌احمر به‌عنوان یک موسسه خیریه عمومی عام‌المنفعه امدادی زمانی نمود می‌یابد که داوطلبان مهربان این بزرگترین نهاد خیریه مردم‌نهاد کشورمان در پی سلب آرامش همگنان متعاقب وقوع حوادث و سوانح، با حضور و مشارکت داوطلبانه‌شان رنگین کمانی از امید شده و با تپش‌های صادقانه خویش برای یاری‌رسانی و دستگیری دردمندان نیازمند و نیازمندان دردمند، دگر بار بر سپهر اندوهگین و غمبار بازماندگان سوانح نقش می‌شوند و با همراهی و دستگیری دردمندان بی‌پناه در شرایط اضطرار، آرامش ز دست شده آنان را دگر بار فراخوانده و با سهیم